

## بسم الله الرحمن الرحيم

### صد کلمه عادل بن علی بن عادل

مقدمه - کسانی که خود در سخن و ادب عرب از سرآمدان و ارکان بلاغت و فصاحتند سخن شاه ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را برترین سخن می‌دانند . برای اطلاع ترجمه‌گونه‌یی از گفتار ابن ابی‌الحدید را در مقدمه شرح‌نهج‌البلاغه که در رجب ۶۴۴ تألیف شده است ملاحظه فرمایید .

«در فصاحت و بلاغت علی علیه السلام رهبر و پیشوای همه فصحا و بلغاست . درباره گفتار حضرتش گفته‌اند که فروتر از گفتار خدا و فراتر از سخن خلق است . همگان آیین نگارش و سخنوری را از او آموخته‌اند . عبدالحمید بن یحیی می‌گوید ۷. خطبه از خطبه‌های علی علیه السلام را حفظ کردم سرچشمه جوشان معلومات من که هرگز از جوشیدن باز نمی‌ایستد همانست . ابن‌باته می‌گوید گنجی از گفتار علی (ع) با فرا گرفتن صد پند از پندهایش بدست آورده‌ام که هرچه از آن بیخشم بر آن افزوده می‌شود . معاویه می‌گفت سوگند به خدا او بود که شیرین سخنی و رسایی گفتار را در میان قبیله قریش سنت ساخت »<sup>۱</sup>.

اشاره باین نکته هم لازم است که ابن‌عبدالحمید یحیی کسی است که درباره‌اش گفته‌اند « نگارش از او آغاز شده است » و برای اطلاع از مقام ادبی او می‌توان به کتابهای تاریخ ادبیات عرب مراجعه نمود<sup>۲</sup> .

۱ - صفحات ۲۴ ( ۲۵ مقدمه ج اول شرح‌نهج‌البلاغه ) چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم

۲ - مراجعه کنید به صفحات ۲۶ تا ۸۲ امراء‌البیان اثر محمدزردعلی چاپ ۱۳۸۸ بیروت

اگر بخواهیم داوری بزرگان ادب عرب چون جاحظ، ثعالبی، قیروانی و سیدرضی را درباره کلام حضرت علی بررسی کنیم سخن به درازا می‌کشد.

به مناسبت اهمیت فوق‌العاده‌گفتار حضرت علی از همان قرن اول هجری گردآوری خطبه‌ها و نامه‌ها و گزینه‌نگاری از پندها و ندرزهای امام آغاز شده است چنانچه «زیدبن وهب جهنی کوفی» درگذشته ۹۶ هجری خطبه‌های ایراد شده در اعیاد حضرت را فراهم آورده است و این کتاب تا قرن پنجم هجری وجود داشته است و مورد استناد شیخ طوسی در الفهرست بوده است. استاد امتیاز علیخان عرشی در کتاب سودمند استناد نهج البلاغه ۲۱ نویسنده تا قرم پنجم هجری را معرفی نموده است که کتابهایی در مورد خطبه و نامه‌ها و کلمات قصار حضرت نوشته‌اند.<sup>۳</sup>

در مورد گزینه‌هایی از گفتارهای کوتاه امام علیه‌السلام ظاهراً قدیم‌ترین مجموعه که در دست است فراهم آورده جاحظ دانشمند بزرگ قرن سوم درگذشته به سال ۲۵۵ هجری است که خوشبختانه تمام آن که صدکلمه است در کتاب الاعجاز و الایجاز ثعالبی نیشابوری درگذشته ۴۲۹ نقل شده است.<sup>۴</sup> آمدی دانشمند قرن پنجم هجری هم مجموعه‌ی سترگ از کلمات قصار امام عالی (ع) گردآورده است که مکرر ترجمه شده و گروهی بر آن شرح فارسی نوشته‌اند که شاید بهترین آنها شرح آقا جمال خوانساری باشد. از قرن ششم هجری کتاب نثر اللئالی در دست است که در بسیاری از منابع از جمله در مقدمه تفسیر مجمع‌البیان به عالم گرانقدر طبرسی و یا علی بن فضل‌الله حسینی راوندی نسبت داده شده است در کتابهای عمده‌ی اخلاق و تاریخ و تراجم کمتر کتابی است که در آن گزینه‌های فراوان از گفتار امام نیامده باشد از قبیل ارشاد مفید و تحف العقول حرانی و امالی‌های مفید و سیدمرتضی و شریخ طوسی و زهرالادب قیروانی و غیره.<sup>۵</sup> در قرن ششم هجری رشیدالدین وطواط درگذشته ۵۷۳ پس از مقدمه کوتاهی که بر صدکلمه جاحظ نوشته

۳ - صفحات ۷۸ تا ۸۲ چاپ ۱۳۹۲ تهران

۴ - صفحات ۲۸ تا ۳۰ الاعجاز و الایجاز چاپ بیروت.

۵ - صفحه (ه) مقدمه تفسیر مجمع‌البیان چاپ بیروت

۶ - برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به ص ۳۶ جلد ۷۸ بحار الانوار چاپ آخوندی تهران.

است هریک از کلمات صدگانه را شرحی به عربی و فارسی زده است و محتوای هر کلمه را در یک دو بیت فارسی گنجانیده است این کتاب مکرر به چاپ رسیده است و بهترین چاپ آن بهمت دانشمند محترم آقای سید جلال الدین محدث ارموی در سال ۱۳۴۲ در چاپخانه دانشگاه تهران چاپ شده است .

مؤلفان دیگری هم کتابهای متعددی با نامهای «صدکلمه» «مائه کلمه» و «نصایح حضرت امیر» تألیف نموده اند که خوشبختانه نسخه های فراوان از آنها در دست است و برای مثال در فهرست کتب دینی خطی کتابخانه سلطنتی از صفحه ۲۹۸ تا ۸۱۷ نه نسخه معرفی شده است . و هم در بخش خطب و منشآت جلد دوم فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار از ص ۱۴۴ به بعد نسخه های فراوان عرضه شده است . غیر از رشیدالدین ولواط برخی دیگر از بزرگان ادب فارسی مانند عبدالرحمن جامی نیز صدکلمه از کلمات امام را به شعر فارسی ترجمه نموده اند بنا به نقل مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الذریعه صدکلمه جامی در سال ۱۳۰۸ در تهران چاپ شده است . در عصر حاضر هم مرحوم حاج شیخ عباس قمی صدکلمه از کلمات را انتخاب نموده و با شرح فارسی آمیخته با احادیث و روایات شرح زده و شواهد زیادی هم از شعر فارسی آورده است که مکرر چاپ شده است .

سنت پسندیده تعلیم صدکلمه در مکتبخانه های ایران و از جمله در مشهد پس از تمام کردن قرآن مجید تا روزگار این بنده ادامه داشت چنانچه در سال ۱۳۲۲ خورشیدی که این بنده هم مانند بسیاری از هم سالان خود در مکتبخانه قرآن را به پایان رسانید صدکلمه از کلمات حضرت علی علیه السلام را با ترجمه آن به شعر فارسی آموخت . بهمین مناسبت در تابستان امسال که به مطالعه پاره یی از نسخ خطی در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی سرگرم بودم به نسخه ی صدکلمه ی نسبتاً قدیمی برخورددم و مناسب دیدم که آنرا برای چاپ در مجله دانشکده ارائه دهم نسخه مذکور به خط مترجم و ناظم آن «عادل بن علی بن عادل» و مکتوب در سال ۹۰۰ هجری است و ذیلاً بطور خلاصه مترجم و مشخصات نسخه معرفی می شوند .



## « عادل بن علی بن عادل »

این مرد که از شاعران و نویسندگان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است به شغل معلمی که مراد اشتغال به آموزش قرآن به کودکان و نوجوانان است اشتغال داشته است. در کتب تذکره از او نامی برده نشده است مگر در تذکره صبح گلشن و تذکره حسینی که ظاهراً تذکره صبح گلشن مطاب خود را از حسینی گرفته است. در تذکره حسینی که وسیله‌ی میرحسینی دوست حسینی در سال ۱۱۶۳ تألیف شده است چنین آمده است: « سلطان سریر سخندانی مولانا عادل خراسانی صاحب طبع رساست و معاصر سلطان حسین میرزا ویراست:

آه و فریاد که آخر شدم از یار جدا چرخ بدمهر مراسخت زدلدار جدا  
 آه و صد آه رفیقان که بصد حسرت و درد دل جدا شد ز من و من شدم از یار جدا<sup>۷</sup>  
 در تذکره صبح گلشن که در سال ۱۲۹۳ تألیف شده و مؤلف آن سید علی حسن خان نامی است چنین آمده است:

« عادل از نیکو فکran خراسان بود و در خطه سخن‌وری به عدل کامروایی مینمود  
 آه و فریاد که آخر شدم از یار جدا چرخ بدمهر مراسخت زدلدار جدا  
 الله الله چه بلائیست که چون ماتمیان من جدا گریه کنم دیده خون بار جدا  
 آه و صد آه رفیقان که بصد حسرت و درد دل جدا شد ز من و من شدم از یار جدا<sup>۸</sup>  
 مرحوم دهخدا در لغت‌نامه چنین نوشته است « عادل بن علی بن عادل حافظ معلم از شعرای سده دهم. کتاب ترجمان علامه جرجانی را بترتیب حروف هجا مرتب کرده است » و سپس به جلد نهم الذریعه ارجاع داده است<sup>۹</sup> نسخه خطی دیوان او موجود است زیرا مرحوم آقا بزرگ تهرانی در ص ۶۶۳ بخش دوم جلد نهم الذریعه چنین مرقوم داشته‌اند « دیوان عادل خراسانی. عادل بن علی بن عادل حافظ معلم که به همین ترتیب خود را در آخر نسخه‌ی از ترتیب ترجمان القرآن جرجانی معرفی کرده است و این نسخه در کتابخانه دانشکده پزشکی تهران موجود است. »

۸ - ص ۲۶۶ تذکره صبح گلشن چاپ هند

۷ - ص ۲۱۰ تذکره حسینی چاپ هند

۹ - لغت‌نامه ص ۶ جلد ۶

آنگاه تألیفات عادل را باین شرح معرفی فرموده است :

۱ - ترجمه صدکلمه امیرالمؤمنین بشعر فارسی که در تهران و تبریز چاپ شده است .

۲ - ترجمه نثر اللآلی که در سال ۱۳۰۶ در تهران چاپ شده است .

۳ - شرح قصیده بستی که در سال ۹۰۳ آنرا به پایان رسانیده است

۴ - تفسیر قرآن

۵ - مرتب ساختن کتاب « ترجمان قرآن » سید شریف جرجانی بترتیب

حروف تهجی .

تاریخ نسخه نویسی بعضی از نسخه‌های ترجمه نثر اللآلی ۱۰۷۴ هجری است و همین مسأله موجب شده است که آقای خان‌بابا مشار در ص ۶۲۰ ج ۳ مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی پنداشته‌اند که عادل تا آن سال زنده بوده است در صورتیکه قصیده بستی را در سال ۹۰۳ نوشته باشد و تاریخ کتابت نسخه صدکلمه موجود در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد هم سال ۹۰۰ است بدیهی است که در ۱۰۷۴ اگر زنده بوده باشد باید حدود ۲۰۰ سال عمر کرده باشد .

آقای دبیرسیاقی که در سال ۱۳۲۳ خورشیدی توفیق یافته‌اند تا ترجمان القرآن سید شریف جرجانی را منتشر نمایند در ص ۱ مقدمه از عادل نام برده‌اند و می‌نویسند « این کتاب در اصل بترتیب سوره قرآن مجید منتظم بوده ، و بعدها توسط عادل بن علی بن عادل نامی بترتیب حروف تهجی مرتب‌گشته است » سپس اضافه می‌نمایند از حالات ابن عادل اطلاعی بدست نیامد و در حاشیه همان صفحه نوشته‌اند که آقای سلطان‌القرائی یادآوری کرده‌اند که عادل احتمالاً شیرازی است .

دانشمند گرامی آقای ابن یوسف شیرازی در ص ۶۸ ج ۲ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ضمن معرفی نسخه صدکلمه در حاشیه مرقوم داشته‌اند « این عادل ظاهری و مخالف با حکمت و فلسفه میباشد چنانکه در ذیل کلمة الحکمة ضالة المؤمن گوید » :

حکمت و ایمان محرم شد بهم روز الست زان نمی‌جزیند حکمت مؤمنان حق پرست  
در صورتیکه در نسخه‌یی که در اختیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد

است این کلمه بصورت زیر ترجمه شده است که بطور کلی مفایر است با آنچه که آقای ابن یوسف نتیجه گیری فرموده اند .

حکمت و ایمان مخمر شد بهم روزالست      زان همی جویند حکمت مؤمنان حق پرست  
و لطفاً در ذیل شماره ۶۶ متن آن را ملاحظه فرمایید .

ضمناً از توضیحات عالمانه آقای ابن یوسف چنین استنباط می شود که عادل حافظ قرآن بوده است و این شاهد را ارائه فرموده اند « در ذیل کلمه کلام الله دواء القاب گوید » .

درد دل را از کلام حق تعالی جودا      خود ترا در سینه محفوظ است قرآن عادلا

آقای علینقی منزوی هم در ص ۱۷۴ فرهنگ نامه های عربی بفارسی چاپ ۱۳۳۷ تهران ذیل معرفی ترجمان قرآن عادل ضمن نقل مطالب آقای ابن یوسف و بر شمردن آثار عادل بشرحی که در فوق بآنها اشاره شد مرقوم داشته اند که عادل از شعرای دوره میرعلیشیرنواپی است .

در مورد عادل عجالتاً این بنده به منابع دیگری که مبین شرح حال او باشد دسترسی نیافت . یادآوری این نکته هم لازم است که یکی دیگر از کارهای عادل ترجمه بی است از قصیده برده محمد بن سعد بوصیری در گذشته به ۶۹۴ هجری به نظم شیوای فارسی که این نسخه وسیله دوست دانشمند آقای دکتر محمودفاضل در ص ۳۶۴ جلد اول فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد معرفی شده است و برای اطلاع از نمونه شعر او سه بیت پایان این نسخه که در بحر رجز و نموداری از شعر کهن فارسی نقل می شود .

برنظم برده نظمها مانند لؤلؤ درصفا      گفتند ارباب ذکا هر يك از آن دیگر اتم  
خاك ره اهل هدی عادل فقیر بی نوا      کرد از ره بیچارگی خود را بایشان منتظم  
یارب بحق مصطفی سلطان تخت اصطفایا      کر راه لطف این بنده را آزاد ساز از بندم

مشخصات مختصر نسخه . این نسخه که در ص ۳۶۵ فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی معرفی شده است بخط خود عادل و مختوم در بیع الاخر سال ۹۰۰ هجری است باین جهت تصور می شود بهترین نسخه ی



موجود باشد. نسخی دیگر از همین کتاب در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است که تاریخ کتابت آنها ۹۷۷ و ۹۷۶ و ۱۲۲۶ است. در ضمن ابیات در یک مورد عادل نام خود را آورده است و آن ذیل شماره ۹۷ است «انقر الفقه الحمق».

برترین درویشی بی‌حمق است ای جان جهان بشنو ارعادل کلام شاه مردان را بیان این نسخه با صد کلمه بی که آقای محدث ارموی از جاحظ چاپ فرموده اند کاملاً مطابق است ولی مواردی از آن جمله شماره‌های ۶۲ و ۶۳ در مجموع صد کلمه بی که از جاحظ در الإعجاز نقل شده است موجود نیست و ظاهراً بدون تردید هر دو کلمه الحاقی است.

ارائه مأخذ و منابع کلمات - هر چند خوشبختانه درباره نشان دادن منابع و مصادر نهج البلاغه که بخشی از آن کلمات قصار یا حکم است کتب سودمند نوشته شده است و مخصوصاً تألیف ارزنده سید عبدالزهراء حسینی خطیب در چهار مجلد برآستی نشان دهنده زحمت بسیار و علاقه شدید بویسنده به ساحت مقدس حضرت مولی علیه السلام است ولی چون همه این صد کلمه جزء کلمات وارده در نهج البلاغه نیست باین فکر افتادم تا حتی المقدور منبع و مأخذ هر کلمه را ذکر کنم و اگر چه کلمات ۶۲ و ۶۳ را در منبعی بجز صد کلمه رشیدالدین وطواط نیافتم و حتی در ترجمه غرر الحکم تصریح به الحاقی بودن آن شده است اما خوشحالم که در خور فهم قاصر خود توفیق حاصل نمودم تا منابع این صد گفتار را از کتبی کهن چون البیان و التبیین و کامل مبرد و ارشاد مفید و الإعجاز و الإیجاز ثعالبی و امالی طوسی و نحف العقول حرانی و غرر الحکم آمدی و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و برید السعادة ملطیوی و بحار الأنوار مجلسی و عقد الفرید و برخی کتب متأخرین چون ناسخ التواریخ سپهر ارائه دهم. با اقرار بآنکه کاری چنانکه باید و شاید انجام نشده است امیدوارم مقبول نظر اهل دین و دانش قرارگیرد و خداوند متعال توفیق دهد تا تنها خوانندگان این گفتارها نباشیم بلکه در راه عمل بآنها بکوشیم بمنه و کرمه.

## بسم الله الرحمن الرحيم

بهترین هر کلام ای نور چشم مردمان

هست نام خالق بسیار بخش مهربان

« قال امیر المؤمنین علی المرتضی کرم الله وجهه »

گفت امیر مؤمنان سرچشمه صدق و صفا

شیر یزدان شاه مردان ابن عم مصطفی

۱ - « لو كشف الفطاء ما ازددت يقينا »<sup>۱</sup>

گر اجل بردارد از پیشم حیات مستعمار

در یقین من نیفزاید بذات کردگار

۲ - « الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا »

مردمان در خواب و روز عمر رو در کوتهی

چون بمیرند از غرور خویش یابند آگهی<sup>۲</sup>

منابع - ۱ - این کلمه اولین کلمه از صد کلمه‌یی است که جا حظ انتخاب نموده و رشیدالدین و طواط

به فارسی ترجمه به نثر و شعر کرده است و بانام « مطلوب کل طالب » منتشر شده است و هم در ص

۲۸ الاعجاز و الایجاز عالی بصورت « لو كشف الفطاء ما ازددت الا يقينا » اولین کلمه‌یی است که از کلمات

حضرت علی برگزیده شده است و نیز در ترجمه غررالحکم آمدی در ص ۶۰۲ چاپ قم آمده است

بنابراین انتساب این کلمه از طرف ابونصر سراج در کتاب اللع به عامربن عبدالقیس اشتباه است .

رجوع شود به ص ۲۷۲ فیه مافیه چاپ استاد فقید مرحوم فروزانفر و هم به تعلیقات کشف الحقایق

نسفی چاپ دانشمند محترم آقای دکتر احمد مهدوی دامغانی .

۲ - این کلمه در مطلوب کل طالب و در الاعجاز و الایجاز کلمه دوم است . هر چند در ترجمه

غررالحکم و در میان حکم نهج البلاغه که سید رضی جمع فرموده نیامده است ولی بنقل دانشمند محترم

آقای دکتر احمد مهدوی دامغانی در ص ۳۱۶ کشف الحقایق . در شرح تعرف و هم در کشف الخفا ص

۲۲۱ ج ۱ این گفتار به حضرت علی نسبت داده شده است .



۳ - « الناس بزمانهم اشبه منهم بأبائهم »

سربسر خلق جهان مانند دورند ای پسر

نیستند از صد یکی مانده جد و پدر<sup>۳</sup>

۴ - « ما هلك امرؤ عرف قدره »

هر که قدر خود بداند گردد ایمن از هلاک

گر جهان پر فتنه گردد رستگاران را چه باک<sup>۴</sup>

۵ - « قيمة كل امری ما يحسنه »

دانش آموز ار ترا در سر هوای دواتست

زانکه هر کس را بقدر دانش خود قیمتست<sup>۵</sup>

۶ - « من عرف نفسه فقد عرف ربه »

تا یکی گم کرده ای خود را زمانی با خود آ

خویش را بشناس اگر خواهی که بشناسی خدا<sup>۶</sup>

۳ - علاوه بر آنکه سومین کلمه در مطلوب کل طالب و در الاعجاز الإجازة تعالی است. در تحف العقول

حرانی ص ۱۴۴ چاپ قم بصورت ( الناس بزمانهم اشبه منهم بأبائهم ) آمده است .

۴ - بهمین صورت در مطلوب کل طالب و الاعجاز و بصورت ( هلك امرؤ لم يعرف قدره ) در ص

۱۱۵۹ نهج البلاغه فیض الاسلام و ص ۴۲۳ ج ۴ شرح ابن ابی الحدید چاپ بیروت و بصورت ( هلك

من لم يعرف قدره ) در ص ۷۹۲ ترجمه غرر الحکم آمده است .

۵ - علاوه بر مطلوب کل طالب و الاعجاز در ص ۱۲۸ تحف العقول حرانی بصورت « قيمة كل امری

ما يحسنه » و نیز در ص ۱۴۲ ارشاد مفید چاپ آخوندی تهران و هم در ص ۱۱۲۲ نهج البلاغه

فیض الاسلام و در بسیاری دیگر از منابع کهن چون البیان و التبیین جاحظ ( ج ۱ ص ۳۶ و ۱۷۹ ) و

عیون الاخبار ابن قتیبه ( ج ۳ ص ۱۲۰ ) آمده است و برای اطلاع بیشتر در مورد منابع این کلمه مراجعه

فرمایید به ص ۶۶ کتاب « استناد نهج البلاغه » امتیاز علیخان عرشی چاپ ۱۳۹۳ تهران .

۶ - این کلمه در « مطلوب کل طالب » همچنان کلمه دوم است ولی در الاعجاز و الإجازة نیامده

است در ص ۶۲۵ ترجمه غرر الحکم بهمین صورت آمده است و بنا بنقل استاد فقید فروزانفر در ص

۱۶۷ کتاب احادیث مشنوی در ص ۵۴۷ ج ۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید هم به حضرت علی نسبت

داده شده است .

۷ - « المرء مخبوء تحت لسانه »

مرد پنهانست در زیر زبان خویشتن

قیمت و قدرش ندانی تا نیاید در سخن<sup>۷</sup>

۸ - « من عذب لسانه کثر اخوانه »

هر که خوش‌گفتار باشد بیشتر خلق جهان

چون برادر مشفقاند او را و بار و مهربان<sup>۸</sup>

۹ - « بالبريستعبد الحر »

در جهان هر کس که نیکی میکند با خاص و عام

مردم آزاد باشند از دل و جان<sup>۹</sup>

۱۰ - « بشر مال البخیل بحادث او وارث »

هر چه گردد آرد بخیل بی‌خرد از هر کنار

یا تلف گردد بفارقت یابد میراث خوار<sup>۱۰</sup>

۷ - در مطلوب کل طالب و هم در الاعجاز والایجاز تعالی و در ص ۱۴۲ ارشاد مفید چاپ آخوندی

تهران و هم به دو صورت در صفحات ۱۱۴۹ و ۱۲۶۲ نهج البلاغه فیض الاسلام آمده است و رجوع شود به

ص ۷۲ کتاب « استناد نهج البلاغه » .

۸ - کلمه هشتم مطلوب کل طالب است و در ص ۲۸ الاعجاز و الایجاز هم آمده است .

۹ - کلمه نهم مطلوب کل طالب است و بهمین صورت در ص ۲۸ الاعجاز آمده است و بصورت‌های

« بالاحسان يستعبد الانسان » و « بالبريملك الحر » و « بالاحسان يسترى الرقاب » در صفحات ۲۲۹ و

۲۲۸ ترجمه غررالحکم نقل شده است .

۱۰ - همچنان کلمه دهم مطلوب کل طالب است و در ص ۲۸ الاعجاز عینا نقل شده است و در ص

۲۵۴ ج ۴ شرح ابن ابی‌الحدید چاپ بیروت ذیل کلمه « لكل امری فی ماله شریکان الوارث و الحادث »

آمده است از متأخران سپهرکاشانی در ص ۸۴۹ ج ۵ ناسخ‌التواریخ چاپ امیرکبیر و مرحوم محدث

قمی در ص ۵۷ « صدکلمه قصار » این‌گفتار را آورده‌اند

۱۱ - لا تَنْظُرَ اِلَى مَنْ قَالَ وَ اَنْظُرِ اِلَى مَا قَالَ»

در سخن نیکو نامل کن سخنگو را مبین

کز فقیران در وجود آید سخنهای گزین<sup>۱۱</sup>

۱۲ - « الْجَزَعُ عِنْدَ الْبَلَاءِ تَمَامُ الْمَحْنَةِ » .

در بلیت گرکنی افغان و سوز واضطراب

محنت افزون گردد و محرومانی از ثواب<sup>۱۲</sup>

۱۳ - « لَا ظَفَرَ مَعَ الْبُغْيِ »

چون ستمگر بر مراد خود نمی‌یابد ظفر

ای خسر در پرور زبیداد و تعدی در گذر<sup>۱۳</sup>

۱۴ - « لَا ثَنَاءَ مَعَ الْكِبَرِ »

هر که او را نخوت و کبر و منی باشد شمار

هیچکس مدحش نگساید از صفار و از کبار<sup>۱۴</sup>

۱۵ - « لَا بَطْرَ مَعَ الشَّحِّ »

بخل و نیکویی نگردد مجتمع در هیچ ذات

در سخاوت کوش اگر خواهی تمتع از حیات<sup>۱۵</sup>

۱۱ - این کلمه عینا کلمه یازدهم مطلوب کل طالب است و بصورت « لا تَنْظُرَ اِلَى مَنْ قَالَ » بدون

بخش دوم آن در الاعجاز و الایجاز ثعالبی « ص ۲۸ چاپ بیروت » و بصورت کامل در ص ۸۰۱ ترجمه  
غررالحمک و هم در ص ۹۲۹ ج ۵ ناسخ التواریخ چاپ امیرکبیر آمده است .

۱۲ - علاوه بر آنکه عینا در مطلوب کل طالب و الاعجاز و الایجاز آمده است بصورت « الْجَزَعُ عِنْدَ الْبَلَاءِ مِنْ  
تَمَامِ الْمَحْنَةِ » در ص ۵۹ ترجمه غررالحمک نقل شده است .

۱۳ - علاوه بر دو منبع مذکور در ص ۸۳۲ ترجمه غررالحمک بصورت « لَا ظَفَرَ مَعَ الْبُغْيِ » آمده  
است .

۱۴ - بهمین صورت در ص ۸۳۳ ترجمه غررالحمک و ص ۲۸ الاعجاز و الایجاز ثعالبی نقل شده است .

۱۵ - پنزدهمین کلمه مطلوب کل طالب است و بصورت « لَا بَطْرَ مَعَ الشَّحِّ » در ص ۲۸ الاعجاز ثعالبی  
و بصورت « لَا مَرُوَّةَ مَعَ الشَّحِّ » در ص ۸۳۳ ترجمه غررالحمک آقای انصاری در ذیل شماره ۸۸ آمده  
است .



۱۶ - « لاصحة مع انهم » .

تن درستی گر همی خواهی ز کم خواری طلب

در قناعت کوش و کم خواری و کم خواری طلب<sup>۱۶</sup>

۱۷ - « لاشرف مع سوء الادب » .

لایق جاه و بزرگی نیست مرد بی ادب

ای خردمند از ادب سرمایه دولت طلب<sup>۱۷</sup>

۱۸ - « لاجتناب من محرمات مع حرص »

با وجود حرص نتوان دور بودن از حرام

بیخ حرص از برکتی یابی سعادت بردوام<sup>۱۸</sup>

۱۹ - « لاراحة مع الحسد »

دعوی راحت درین عالم کسی را میرسد

کو بکلی بگذرد از کینه و بغض و حسد<sup>۱۹</sup>

۲۰ - « لامحبة مع مرء »

میکند تخم محبت را ز بیخ و بن لجاج

کم نشین ز نهار با مرد لجوج بدمزاج<sup>۲۰</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۶ - شانزدهمین کلمه از مطلوب کل طالب است و در ص ۲۸ الاعجاز بصورت « لاصحة مع نهم »

و بهمین صورت در ص ۸۲۳ ترجمه غررالحکم زیر شماره ۹۱ آمده است .

۱۷ - هفدهمین کلمه مطلوب کل طالب است و در ص ۲۸ الاعجاز و ص ۸۲۳ ترجمه غررالحکم

بصورت « لاشرف مع سوء ادب » آمده است

۱۸ بصورت « لاجتناب من محرم مع الحرص » در مطلوب کل طالب و بصورت « لاجتناب لمحررم مع

حرص » در ص ۲۸ الاعجاز آمده است .

۱۹ - بهمین صورت در مطلوب کل طالب و بصورت « لاراحة لحود » در ص ۲۸ الاعجاز و

بصورت « لا يوجد الحود مسرورا » در ص ۸۲۵ ترجمه غررالحکم آمده است .

۲۰ - در مطلوب کل طالب و در الاعجاز ثعالبی آمده است

۲۱ - « لاسودد مع انتقام »

جمع نتوان کرد با هم انتقام و سروری

کینه در خاطر نگیرد هر که خواهد مهتری<sup>۲۱</sup>

۲۲ - « لازیارة مع الزعارة »

چون روی پیش عزیزی روی خود را تازه دار

تا نپرسندت سراز زانوی عزت برمدار<sup>۲۲</sup>

۲۳ - « لاصواب مع ترك المشورة »

گرهمی خواهی که بشناسی خطا را از صواب

مشورت بر در همه حالی بنزد شیخ و شاب<sup>۲۳</sup>

۲۴ - « لامرودة لكذب » .

از مروت دور ماند آنرا که عادت شد دروغ

راستان را چهره دولت نماند بی فروغ<sup>۲۴</sup>

۲۵ - « لوفاء لملول » .

از ماول ایمن مباش و زو وفاداری مجو

دل بدهد او میند و راز دل با وی مگو<sup>۲۵</sup>

۲۱ - در مطلوب کل طالب و در الاعجاز والایجاز ثعالبی و در ۸۲۲ ترجمه غررالحکم عینا

آمده است .

۲۲ - در مطلوب کل طالب بصورت « لازیارة مع زعارة » و در الاعجاز بصورت « لازیارة مع دعارة »

آمده است .

۲۳ - عینا در مطلوب کل طالب و الاعجاز ثعالبی آمده است و در غررالحکم ذیل شماره ۷۴

ص ۸۲۲ نقل شده است .

۲۴ - عینا در ص ۱۳ مطرب کل طالب و هم در ص ۲۹ الاعجاز و الایجاز آمده است .

۲۵ - عینا در ص ۱۳ مطلوب کل طالب و هم در ص ۲۹ الاعجاز والایجاز بدو صورت « لایخوة لملول » و

« لاخللة لملول » در صفحه ۸۲۹ ترجمه غررالحکم آقای انصاری ذیل شماره های ۲ و ۹ آمده است .

۲۶ - « لاكرم اعز من التقى »

چون گرامی‌تر نبود از مردم پرهیزگار

گفت عندالله اتقیکم بقرآن‌کردگار<sup>۲۶</sup>

۲۷ - « لاشرف اعلى من الاسلام »

زندگی خود مکن در کفر و نادانی تلف

کآدمی را نیست برتر از مسلمانی شرف<sup>۲۷</sup>

۲۸ - « لامعقل احسن من الورع »

از بدی پرهیزکن گر قرب حق داری طمع

کآدمی را نیست محکم‌تر پناهی از ورع<sup>۲۸</sup>

۲۹ - « لاشفیع انجح من التوبة »

چون گناهی کرده باشی ورچه باشد بس شفیع

توبه و عذرگناهت برتر است از هر شفیع<sup>۲۹</sup>

۲۶ - عینا ذیل شماره ۲۶ مطلوب کل طالب نقل شده است و در ص ۲۹ الاعجاز نمایی بصورت

« لا کر . . . آمده و در پورقی افزوده شده است که « کر » بمعنی تقدم است و بصورت « لاعز . . . »

در ص ۵۲۲ ج ۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید چاپ بیروت و بصورت « لاكرم كالتقوى » در ص ۸۲۰ ترجمه غررالحکم آمده است .

۲۷ - علاوه بر آنکه عینا در مطلوب و الاعجاز آمده است در ص ۵۵۳ ج ۴ شرح نهج البلاغه چاپ

بیروت هم نقل شده است و بنقل استاد امتیاز علیخان عرشی در کتاب استناد نهج البلاغه در تحف

المقول حرانی و روضه کافی کلینی و امالی صدوق نیز آمده است .

۲۸ - عینا در مطلوب و در الاعجاز آمده است و بصورت « لامعقل احرز . . . » در ص ۸۲۹ ترجمه

غررالحکم و بصورت « لامعقل احسن . . . » در ص ۲۴۵ بریدالسعادة مطبوی چاپ آذی شیروانی و ص ۵۵۳ ج ۴ شرح نهج البلاغه چاپ بیروت نقل شده است .

۲۹ - در مطلوب کل طالب بصورت « لاشفیع احسن . . . » و در ص ۸۴۰ ترجمه غررالحکم بصورت

« لاشفیع انجح من الاستغفار » و بصورت متن در الاعجاز و ص ۵۵۳ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید چاپ بیروت نقل شده است .



۳۰ - « لالباس اجمل من السلامة »

هرکه او را خلعت امن و سلامت در براست

برمه و مهر او تفاخر کرده باشد درخور است<sup>۳۰</sup>

۳۱ - « لاداء اعیبی من الجهل »

هیچ دردی نیست مردم را زنادانی بتر

مرد را دانش کند سوی سمدات راهبر<sup>۳۱</sup>

۳۲ - « لامرض اضنی من قنة العقل »

مرد را در بستر حرمان و خسران خوار و زار

هیچ بیماری نسازد همچو کم عقلی نزار<sup>۳۲</sup>

۳۳ - « لسانك یقتضیک ما عودته . »

هرچه عادت شد زبان آنرا تقاضا می‌کند

بد زبانی مرد را پیوسته رسوا می‌کند<sup>۳۳</sup>

۳۴ - « المرء عدو<sup>۳۳</sup> اما جهله »

گر ندانند از قصور خویش چیزی مردمان

دشمن آن چیز باشند آشکارا و نهان<sup>۳۴</sup>

۲۰ - در مطلوب کل طالب و در ص ۱۲۵ الاعجاز ضمن نصایح حضرت علی بفرزند پیر و مندرش حضرت حسین و

در ص ۹۴۰ ج ۵ ناسخ التواریخ چاپ امیرکبیر بسامختصر تفاوت و در ص ۸۲۹ ترجمه غررالحکم آمده است .

۲۱ - عینا در مطلوب کل طالب و ص ۲۹ الاعجاز نقل شده است .

۲۲ - علاوه بر آنکه عینا در مطلوب کل طالب و الاعجاز و الایجاز ثعالبی آمده است در صفحات ۸۴۶

ترجمه غررالحکم آقای انصاری و ۹۳۷ ج ۵ ناسخ التواریخ سپهرکاشانی چاپ امیرکبیر نقل شده است.

۲۳ - در هردو منبع اصلی آمده است و نیز بهمین صورت در صفحات ۶۰۸ ترجمه غررالحکم و ص

۹۰۰ ج ۵ ناسخ التواریخ آمده است .

۲۴ - در مطلوب کل طالب بصورت « المرء عدو ما جهله » و در الاعجاز بصورت « المرء عدو

ما جهل » و در ص ۴۳۹ ج ۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید چاپ بیروت بصورت « الناس اعداء

←

۳۵ - «رحم الله امراء عرف قدره ولم يتعد طوره»

رحمت حق بر خردمندی که قدر خود شناخت

وز طریق خود نگشت و مایه حرمت شناخت<sup>۳</sup>

۳۶ - «اعادة الاعتذار تذكير للذنب» .

برگنه چون واقفی یکبارگی عذرش بخواه

ور دگر ره عذر گویی تازه گردد آن گناه<sup>۳۶</sup>

۳۷ - «النصح بين الملا تقرع»

در میان مردمان نبود نصیحت سودمند

لیک در خلوت نصیحت خوشگوار آید چو قند<sup>۳۷</sup>

۳۸ - «اذا تم العقل نقص الكلام»

مرد چون عقلش بیفزاید بکاهد در سخن

تا نیابد فرصت گفتار نگشاید دهن<sup>۳۸</sup>

۳۹ - «الشفيع جناح الطالب»

چون نیابد مرغ بی پر بر مراد خود ظفر

شد شفاعت خواه حاجتمند را چون بال و پر<sup>۳۹</sup>

→

ماجهلوا» و در ص ۱۴ ج ۷۸ بحار الانوار چاپ آخوندی بصورت «الناس اعداء من جهلوه» آمده است.

۳۵ - در مطلوب کل طالب و در الاعجاز و الایجاز و ص ۴۰۸ ترجمه غرر و ص ۸۶۴ ج ۵ ناسخ

چاپ امیرکبیر آمده است.

۳۶ - عینا در مطلوب کل طالب و هم در الاعجاز و هم در ص ۲۴۰ ج ۲۰ شرح نهج محمد ابوالفضل

ابراهیم آمده است.

۳۷ - عینا در مطلوب و در الاعجاز و ص ۲۴۱ ج ۲۰ نهج نقل شده است.

۳۸ - علاوه بر دو ماخذ اصلی در ص ۲۷۱ ج ۴ شرح نهج بیروت و هم در ص ۱۲۰ ج ۲ جواهر

الادب نقل شده است.

۳۹ - در هر دو ماخذ اصلی و در ص ۱۷ ترجمه غرر الحکم و ص ۳۶۷ ج ۴ شرح نهج چاپ بیروت نقل

شده است.

۴۰ - « نفاق المرء ذله »

از نفاق مردمان خاطر بشو یکبارگی

تا رهانی خویش را از خواری و بی‌چارگی<sup>۴۰</sup>

۴۱ - « نعمة الجاهل كروضة في مزبلة »

نعمت و اسباب نادان نزد ارباب صلاح

هست چون بستان‌سرای بی در میان مستراح<sup>۴۱</sup>

۴۲ - « الجزع اتعب من الصبر »

در بلا جز صبر کردن نیست تدبیری دگر

کز شکیبایی بود زاری بسی دشوار تر<sup>۴۲</sup>

۴۳ - « المسؤل حُر حتى يعد »

مرد صاحب خیر اگر با مستمندی وعده کرد

چون بجا آورد آن وعده بود آزاد مرد<sup>۴۳</sup>

۴۴ - « اكبر الاعداء اخفاهم مكيدة »

هر که پنهان دشمنست و در برابر دوست دار

بدترین دشمنانست ای بزرگ نامدار<sup>۴۴</sup>

۴۰ - علاوه بر آنکه در هر دو منبع اصلی نقل شده است در ص ۷۷۷ ترجمه غرر الحکم بصورت

« نفاق المرء من ذل يجده في نفسه » آمده است .

۴۱ - در مطلوب کل طالب بهمین صورت آمده است ولی در الاعجاز موجود نیست و در موارد دیگر

آن کتاب هم بچشم این بنده نخورد و بصورت « نعمة الجاهل . . . » در ص ۷۷۴ ترجمه غرر آمده است .

۴۲ - عینا در الاعجاز و مطلوب کل طالب نقل شده است .

۴۳ - بصورت « المسؤل حر مالم يعد » در ص ۲۹ الاعجاز و بصورت متن در مطلوب کل طالب

و هم در ص ۵۲۲ ج ۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید چاپ بیروت آمده است .

۴۴ - در صمدکلمه جاحظ ( مطلوب کل طالب ) بصورت « . . . اكبرهم مكيدة » و در الاعجاز و

الایجاز بصورت « اكبر الاعداء مكيدة اخفاهم مشورة » آمده است .



۴۵ - « من طلب مالا یعنی فاته مابعینه »

هر که جوید آنچه در کارش نباشد بی گمان

گم کند چیزی که در کار است او را جاودان<sup>۴</sup>

۴۶ - « السامع لغیبة احد المفتابین »

غائبی را گسرسی نسبت کند عیبی رکیک

منع کن ورنی در آن غیبت شدی با وی شریک<sup>۴۶</sup>

۴۷ - « الدل مع الطمع »

هیچ شادی نیست بی غم هیچ راحت بی فزع

نوش با نیش است و گل با خار و خواری با طمع<sup>۴۷</sup>

۴۸ - « الراحة مع الیاس »

راحت ارجویی مبند امید در مال کسان

هر چه خواهی میدهد بخشنده روزی رسان<sup>۴۸</sup>

۴۹ - « من کثر مزاحه لم یخل من حقد علیه او استخفاف به »

بر مزاح آن کس که عادت کرده شد همواره خوار

زو بزرگان کینه دار و نزد خردان بی وقار<sup>۴۹</sup>

۴۵ - در مطلوب کل طالب بهمین صورت و در الاعجاز بصورت « . . . مالم یعنی . . . » و در ص

۲۴۴ جلد ۲۰ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید بصورت « من تکلف . . . » و در ص ۲۱۲ ج ۵ شرح فارسی

غرر و درر آمدی بصورت « من اشتغل بما . . . » آمده است .

۴۶ - عینا در مطلوب آمده است و در الاعجاز جزء صد کلمه نیست ولی صور مختلف آن ( به ۶

صورت ) در ص ۱۶۸ فهرست فارسی غرر و درر خوانساری آمده است .

۴۷ - همچنین عینا در مطلوب آمده است و در صفحه ۳۰ الاعجاز بصورت « الطامع فی وثاق اللیل »

نقل شده است و در ص ۱۲۱ ج ۱ شرح فارسی غرر و درر آمده است .

۴۸ - بهمین صورت در مطلوب و در الاعجاز بصورت « الیاس یریح النفس » در ص ۲۳ شرح

فارسی غرر و درر نقل شده است .

۴۹ - عینا در الاعجاز و مطلوب کل طالب و بصورت « من یسلم من استخفاف به او حقد

۵۰ - « عبدالشهوة اذل من عبدالرق »

بنده شهوت بود تیر مذلت را سپر

وز غلامان و کنیز زر خریده خوارتر<sup>۵۰</sup>

۵۱ - « الحاسد مفتاظ علی من لا ذنب له »

دولت و محنت خدا بخشد مخور خشم ای حسود

دولتی را چون گناهی نیست خشم از وی چسود<sup>۵۱</sup>

۵۲ - « کفی بالظفر شفیما للمذنب »

برگنه کار از ظفریابی ز روی انبیا

آن ظفر باید که گردانی شفیع آن گناه<sup>۵۲</sup>

۵۳ - « رب ساع فیما یضره »

بی خرد بسیار کوشد در زیان کاری خود

در همه کاری چو دانایان مدد خواه از خرد<sup>۵۳</sup>

۵۴ - « لاتتکل علی المنی فانها بضائع النوکی »

بر هوا و آرزو تکیه مکن ای بسوالهوس

کاحمقان را آرزو سرمایه عمر است و بس<sup>۵۴</sup>

علیه « در ص ۲۲۷ ج ۲۰ شرح نهج و بصورت « من مزج استخف به و المزاج یورث العداوة » در ص ۹۳ ج

۷۸ بحار چاپ آخوندی و بصورت « من . . . لم یخل من حاقده علیه و مستخف به » و هم بصورت متن

در صفحات ۶۹۶ و ۷۰۷ ترجمه غرر نقل شده است.

۵۰ - علاوه بر آنکه عینا در دو منبع اصلی آمده است در ص ۲۴۲ ج ۲۰ شرح نهج و ص ۲۴۸

برید السعادة ملطیوی و ص ۳۵۲ ج ۴ شرح فارسی آقا جمال بر غرر و در آمده است .

۵۱ - در مطلوب کل طالب عینا و در الاعجاز بصورت « الحاسد ضاغن . . . » آمده است .

۵۲ - در هر دو منبع سابق بهمین صورت و در ص ۱۴ ترجمه غرر الحکم بصورت « الظفر شافع

المذنب » آمده است .

۵۳ - عینا در سه منبع سابق آمده است .

۵۴ - در الاعجاز و مطلوب بهمین صورت و در ص ۲۴ ترجمه غرر بصورت « الامانی بضائع النوکی »

آمده است .

۵۵ - « الیاس حر والرجاء عبد »

ناامیدی از خلائق موجب آزادگی است

بسرور امید بس مردم اسیر بندگی است<sup>۵۵</sup>

۵۶ - « ظن العاقل کهانه »

شد گمان عاقلان چون حکم اختر گو صواب

در همه حال از اشارتهای دانا رخ متاب<sup>۵۶</sup>

۵۷ - « من نظر اعتبر »

چشم عبرت برگشا حال جهان نیکو بین

بد مکن تا بد نبینی ای سرافرازگزین<sup>۵۷</sup>

۵۸ - « العداوة شغل »

دشمنی بگذار ای دل ورنه خود را دشمنی

هرچه کارآید ترا زان باز دارد دشمنی<sup>۵۸</sup>

۵۹ - « القاب اذا اکره عمی »

دل چو از فهم معانی شد ملول آن را بهل

زانکه تکلیف زیادت آورد کوری دل<sup>۵۹</sup>

۵۵ - عینا در مطلوب کل طالب و جزء اول آن در ص ۲۳ ج ۱ شرح فارسی غرر نقل شده است ولی در الاعجاز جزء صدکلمه نیست .

۵۶ - بهمین صورت در مطلوب کل طالب و بصورت « ظن المومن کهانه » در ص ۲۷۲ ج ۴ شرح فارسی غرر نقل شده است اما در الاعجاز نیامده است .

۵۷ - بهمین صورت در مطلوب و بصورت « ان المومن اذا نظر اعتبر » در ص ۱۴۷ تحف العقول ابن شعبه حرانی و نیز در ص ۲۸۰ ج ۲۰ شرح نهج ابن ابی الحدید چاپ ابوالفضل ابراهیم نقل شده است .

۵۸ - فقط در مطلوب کل طالب عینا آمده است .

۵۹ - علاوه برمطلوب در ص ۱۱ ج ۱۹ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ضمن شماره ۱۸۹ حکم و هم در ص ۲ ج ۲ کامل میرد آمده است .

۶۰ - « الادب صورة العقل »

قول و فعل خوب باشد صورت عقل ای ادیب

این نشان در هر که یابی از ادب دارد نصیب<sup>۶۰</sup>

۶۱ - « لاحیاء لحرص »

هر که او را حرص غالب گشت شرمش کم شود

آب در رویش نماند پشتش از غم خم شود<sup>۶۱</sup>

۶۲ - « من لانت اسافلہ صلبت اعالیہ »

هر کرا اعضای زیرین سست و نرم است و روان

باشد ای دل خیره چشم و سخت روی و بد زبان<sup>۶۲</sup>

۶۳ - « من اتی فی عجانہ قل حیاؤہ و بدؤلسانہ »

هر کرا نبود حیا در چشم و نیکی در زبان

بی گمان بسیار خسبیدست زیر مردمان<sup>۶۳</sup>

۶۴ - « الحرمان مع الحرص »

تا توان پیرامن حرص ای خرد پرور مگرد

کآدمی را حرص از هردونتی محروم کرد<sup>۶۴</sup>

۶۵ - « السعید من وعظ بغيره »

هر که ننگ از پند دارد نیست در وی هیچ خیر مطالعات فریبگی

پند گیرد نیکبخت هوشمند از پند غیر<sup>۶۵</sup>

۶۰ - در مطلوب و در ص ۲۴ ترجمه غرر زیر شماره ۱۰۲۸ آمده است

۶۱ - بهمین صورت در مطلوب کل طالب و در ص ۲۵۶ ج ۶ شرح فارسی غرر نقل شده است .

۶۲ - و ۶۳ - این دو جمله در الاعجاز و در نهج البلاغه و در غرر و در نیامده و بعید است که از گفتار حضرت علی باشد .

۶۴ - عینا در مطلوب کل طالب و در الاعجاز نقل شده است .

۶۵ - در ص ۲۴ الاعجاز ضمن وصایای حضرت علی به حضرت حسین علیهما السلام و ص ۵۳ جلد

۷۸ بحار چاپ آخوندی و ص ۱۴۹ تحف العقول و ص ۲۸۹ ج ۲ شرح نهج البلاغه نقل شده است .



## ۶۶ - « الحکمة ضالة المؤمن »

حکمت و ایمان مخمر شد بهم روز الست

ز آن همی جویند حکمت مؤمنان حق پرست<sup>۶۶</sup>

## ۶۷ - « الشرجامع لمساوی العیوب »

بربدی عادت مکن بد مرد را رسوا کند

پیش مردم عیبهای زشت او پیدا کند<sup>۶۷</sup>

## ۶۸ - « کثرة الوفاق نفاق و کثرة الخلاف شقاق »

از وفاق بی‌شمار ای دل پدید آید نفاق

وز خلاف پرعداوت خیزد و رنج و فراق<sup>۶۸</sup>

## ۶۹ - « رب آمل خائب »

بردر امید شد نسومید بس امیدوار

دل بپسر چیزی مبنده ای خرده دان هوشیار<sup>۶۹</sup>

## ۷۰ - « رب رجاء یؤدی الی الحرمان »

۶۶ - در ص ۶۶ کتاب استند ترجم البیلانه صورمختار فاین گذار در عیون الاخبار ابن قتیبه و امالی

مفید و امالی طوسی نقل شده است و هم در ص ۷۵ ترجمه غررالحکم و ص ۲۸ جلد ۷۸ بحار چاپ آخوندی آمده است .

۶۷ - در مطرب کل طالب و در ص ۳۵ الاعجاز ضمن وصایای حضرت امیرالمؤمنین به امام حسین

علیهما السلام عینا نقل شده است و در ص ۲۰۱ ج ۱۹ شرح نهج البلاغه چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم ضمن اصل ۲۷۷ و هم در صفحه ۲۸ ترجمه غررالحکم آقای انصاری آمده است و در ص ۹۱ ج ۷۸ بحار الانوار چاپ آخوندی بصورت « الشره . . . » روایت شده است .

۶۸ - در مطرب عینا و در الاعجاز بصورت دو کلمه پیایی و جزء اول آن در ص ۵۸ ج ۴ و جزء

دوم در ص ۵۸۸ شرح فارسی غرر قاجمال خوانساری نقل شده است .

۶۹ - در الاعجاز و مطرب و ص ۹۲ ج ۷۸ بحار الانوار عینا و در ص ۵۴۸ ج ۴ شرح فارسی

غرر و درر بصورت « کم من آمل خائب » روایت شده است .

آرزومند وصال آسیب هجران می‌کشد

بیشتر امید مردم رابه حرمان می‌کشد<sup>۷۰</sup>

۷۱ - « رب ارباح تودی الی الخسران »

بهرسود ای دل چه می‌سوزی وجود خود چو عود

بیشتر مردم زیان بینند از سودای سود<sup>۷۱</sup>

۷۲ - « رب طمع کاذب »

هر طمع صادق مدان برکن تو دندان طمع

زانکه کس سیری نبیند برسر خوان طمع<sup>۷۲</sup>

۷۳ - « البفی سائق الی الحین »

از ستمکاری دلا تائی نمداری هیچ باک

می‌کشد مرد ستمگر را ستم سوی هلاک<sup>۷۳</sup>

۷۴ - « فی کل جرعة شرقة و مع کل اكلة غصبة »

مخنت آبادی است دنیا کاندرا آن باشد محال

یک لب نان بی‌بلا و شربت آبی بی‌ملال<sup>۷۴</sup>

۷۵ - « من کثر فکره فی العواقب لم یشجع »

هرکه فکر عاقبت دارد بسی نبود دایر

وز نعیم و لذت دنیا نگرود هیچ سیر<sup>۷۵</sup>

۷۶ - اذا حلت التقادیر ضلت التدابیر »

۷۰ - عینا در الاعجاز و مطلوب و ص ۱۶۴ ترجمه غررالحکم روایت شده است .

۷۱ - در مطلوب بصورت « رب رباح . . . » و در الاعجاز بصورت « رب . . . یودی . . . » و در

ص ۱۶۴ ترجمه غرر بصورت « رب ارباح تودی الی الخسران » روایت شده است

۷۲ - در مطرب والاعجاز و ص ۹۲ ج ۷۸ بحار الانوار عینا آمده است .

۷۳ - در مطلوب عینا و در الاعجاز بصورت « البفی سائق الی الحین » روایت شده است

۷۴ - عینا در الاعجاز و مطلوب و بنقل از دعوات راوندی در ص ۹۰ ج ۷۸ بحار و هم در ص

۴۴۴ ج ۴ شرح نهج چاپ بیروت و هم در ص ۲۵۳ بریده السعادة مطبوی چاپ دانشمند محترم آقای

محمد شیروانی روایت شده است .

نیست ممکن بنده را پرهیز کردن از قضا

گم شود تدبیر مردم پیش تقدیر خدا<sup>۷۶</sup>

۷۷ - « اذا حل القدر بطل الحذر »

اختیار حق عنان اختیار از ما ربود

چون فرود آید قضای حق حذر کردن چه سود<sup>۷۷</sup>

۷۸ - « الاحسان يقطع اللسان »

با خلائق دائمًا نیکی کنند اهل خرد

زانکه نیگوی زبان مرد بدگو می برد<sup>۷۸</sup>

۷۹ - « الشرف بالفضل و الادب لا بالاصل و النسب »

ای که جاه و سروری می جوئی از اصل و نسب

نیست ممکن سروری بی مایه فضل و ادب<sup>۷۹</sup>

۸۰ - « اکرم الادب حسن الخلق »

در عذاب خویش کوشد مرد بدخو روز و شب

خوی نیکو پیش دانا بهتر است از هر ادب<sup>۸۰</sup>

۷۵ - عینا در مطلوب و بصورت « من اکثر... » در الاعجاز و بصورت متن در ص ۹۷ ج ۱ عقدا لفرید

چاپ ۱۹۶۷ مصر نقل شده است .

۷۶ - در مطلوب و در الاعجاز و ص ۱۳۰ ج ۳ شرح فارسی غرر بصورت های نزدیک به این صورت

نقل شده است .

۷۷ - بصورت « اذا انزل القدر . . . » در ص ۱۲۸ ج ۳ شرح فارسی غرر و بصورت متن در

مطلوب آمده است ، ۷۸ - عینا در مطلوب و در الاعجاز آمده است .

۷۹ - عینا در مطلوب و بصورت « الشرف بالمعقل . . . » در الاعجاز و بصورت « انما الشرف

بالمعقل والادب لا بالمال و الحساب » در ص ۷۷ ج ۳ شرح فارسی آقا جمال خوانساری برغرر نقل شده است .

۸۰ - بهمین صورت در مطلوب و بصورت « اکرم النسب حسن الادب » و « الحساب حسن -

۸۱ - « اوحش الوحشة العجب »

مرد خود بین بی‌رفیق و غمگسار مهربان

ماند اندر تنگنای وحشت آباد جهان<sup>۸۱</sup>

۸۲ - « اغنی الفنی العقل »

گر خرد داری و مالت نیست شد عیشت هنی

مفاس دانا کجا در قدر و نادان غنی<sup>۸۲</sup>

۸۳ - « انطامع فی وثاق الذل »

مرد طامع دارد اندر خانه خواری مقام

از طمع خیزد مذلت و زقناعت احترام<sup>۸۳</sup>

۸۴ - « احذروا نفازالنعمة فماكل شاردمردود »

ای توانگر بر حذر باش از زوال جاه و مال

زانکه نعمت چون رمید آوردنش باشد محال<sup>۸۴</sup>

۸۵ - « اکثر مصارع العقول تحت بروق الأطماع »

چون علم بر قبه خضرا برافرازد طمع

عقلهای زیرکان از پا در اندازد طمع<sup>۸۵</sup>

→

الخلق « در ص ۲۰ الاعجاز و بصورت « اکرم الحسب حسن الخلق » در ص ۲۵۱ ج ۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید چاپ بیروت و هم بصورت « اکرم الحسب الخلق » در ص ۲۷۴ ج ۲ شرح فارسی غرر نقل شده است .

۸۱ - عینا در مطلوب و الاعجاز و ص ۲۷۲ ج ۲ شرح فارسی غرر نقل شده است .

۸۲ - در مصلوب و در الاعجاز و ص ۲۵۱ ج ۴ شرح نهج چاپ بیروت و هم ص ۲۷۰ ج ۲ شرح فارسی غرر آمده است .

۸۳ - عینا در ص ۲۰ الاعجاز و ص ۵۰ مطلوب و ص ۴۵۸ ج ۴ شرح نهج چاپ بیروت و بصورت « الطامع ابدا . . . » در ص ۵۲ ترجمه غرر آقای انصاری نقل شده است .

۸۴ - بهمین گونه در ص ۳۰ الاعجاز و ذیل شماره ۸۶ در مطلوب و ص ۷۸ ج ۷۸ بحار چاپ آخوندی و ص ۴۶۹ ج ۴ شرح نهج چاپ بیروت و ص ۲۵۶ برید السعاده ملطیوی نقل شده است .

۸۵ - در الاعجاز و مطلوب و هم ص ۴۲۳ ج ۲ شرح فارسی غرر و ص ۴۵۵ ج ۴ شرح نهج بیروت آمده است .



۸۶ - « من ابدی صفحته للحق ماهك »

هرکه رو در حق کند مالک شود بر مهر و ماه

وانکه از حق رو بگرداند شود رویش سیاه<sup>۸۶</sup>

۷۸ - « اذا ملقتم فتاجروا لله بالصدقة »

گر هوس داری تو بازرگانی با کردگار

مفلسان را دست گیر اندر فلاکت زینهار<sup>۸۷</sup>

۸۸ - « من لان عوده كنف اغصانه »

هرکه نرم است ای دل اندر دست او چوب ادب

زیر دستانش برآیند ابله و خواری طالب<sup>۸۸</sup>

۸۹ - « قلب الاحمق فی فیه »

مرد نادان هرچه در دل دارد آرد بر زبان

وز زبان خویشتن پیوسته باشد در زیان<sup>۸۹</sup>

۹۰ - « لسان العاقل فی قلبه »

سرخود در دل نگه دارد مدام اهل خرد

تا زدل رخصت نیابد برزبانش نگذرد<sup>۹۰</sup>

۸۶ - در مطلوب بصورت « من ابدی صفحته للحق ملك و من اعرض الحق هلك » و در الاعجاز

بصورت « من ابدی صفحته للحق هلك » و در ص ۴۱۲ ج ۲۰ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم رویت شده است .

۸۷ - بهمین صورت در مطلوب والاعجاز و ص ۴۷۶ ج ۴ شرح نهج چاپ بیروت و ص ۱۲۵ ج ۲

شرح فارسی غرر آمده است .

۸۸ - در مطلوب و ص ۴۵۴ ج ۴ شرح نهج بیروت و ص ۲۵۹ بریدالسعاده ملطوبی عینا و در

الاعجاز بصورت ( من لان عوده كشف اغصانه ) نقل شده است .

۸۹ - در مطلوب بهمین صورت و در الاعجاز بصورت « قلب الاحمق و راء لسانه » و در ص ۵۲۸

ترجمه غرر ذیل شماره ۶۲ آمده است :

۹۰ - ذیل شماره ۹۲ مطلوب کل طالب بهمین صورت و در الاعجاز و ص ۶۰۸ ترجمه غرر بصورت

« لسان العاقل وراء قلبه » نقل شده است .

- ۹۱ - « اذا وصلت اليكم اطراف النعم فلا تنفروا اقصاها بقالة الشكر »  
چون بیابی نعمتی اندک، مشو صید غرور  
شکر میکن تا نیابد نعمت باقی نفور<sup>۹۱</sup>
- ۹۲ - « اذا قدرت على عدوك فاجعل العفو عنه شكراً للقدرة عليه »  
چون ظفر یابی بدشمن از گنااهش درگذر  
شکر این نعمت که داد ایزد ترا بروی ظفر<sup>۹۲</sup>
- ۹۳ - « ما اضمراحدثينا الاظهر في فلتات لسانه و صفحات وجهه »  
گر نهان دارد کسی سری توان دریافتن  
در کنار روی آن کس یا در اثنای سخن<sup>۹۳</sup>
- ۹۴ - « البخيل مستعجل للفقر يعيش في الدنيا عيش الفقراء و يحاسب في  
العقبى حساب الاغنياء »  
میشتابد سوی درویشی بخیل بدگمان  
این جهان از مفلسان روز حساب از منعمان<sup>۹۴</sup>
- ۹۵ - « قلب الاحق وراء لسانه »  
گردل نادان نبودی تابع قیول و زبان  
از زبان خود نیفتادی مدام اندر زیان<sup>۹۵</sup>

- ۹۱ - عینا در مطلوب و ص ۲۷۷ ج ۴ شرح نهج البلاغه چاپ بیروت و ص ۱۷۸ فهرست شرح فارسی غرر و بصورت « اذا تواصلت... فلا تنفروها... » در ص ۲۰ الاعجاز نقل شده است
- ۹۲ - عینا در مطلوب و ص ۲۳۲ ج ۴ شرح ابن ابی الحدید چاپ بیروت و بصورتی بسیار نزدیک در ص ۲۰ الاعجاز آمده است .
- ۹۳ - عینا در ص ۲۶۲ برید السعاده ملفیوی و هم در مطلوب کل طالب و فیز در ص ۳۰ الاعجاز بصورت « ما اضمرا انسان . . . » نقل شده است .
- ۹۴ - عینا در مطلوب و بصورت « البخيل مستعجل الفقير . . . » در الاعجاز و بصورت « عجبت للبخيل الذي استعجل الفقر الذي منه عرو بونات الغنى الذي اياه طلب يعيش في الدنيا عيش الفقراء و يحاسب في الآخرة حساب الاغنياء » در ص ۹۴ ج ۸۷ بحار الانوار چاپ آخوندی نقل شده است .
- ۹۵ و ۹۶ - عینا در مطلوب و الاعجاز و ص ۲۵۲ ج ۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید چاپ ←

۹۶ - « لسان العاقل وراء قلبه »

بی تامل دم مزن اول بدل اندیشه کن

تا نیندیشد بدل دانا نیاید در سخن<sup>۹۶</sup>

۹۷ - « افقر الفقرا لِحَقِّ »

بدترین درویشی حقیق است ای جان جهان

بشنو از عادل کلام شاه مردان را بیان<sup>۹۷</sup>

۹۸ - « من جرى في عنان أمه عشر باجله »

چند در بندامیدی بگنر از فکر جهان

کز کمین گاهت اجل برسر بتازد ناگهان<sup>۹۸</sup>

۹۹ - « اكرم النسب حسن الادب »

از نسب هرگز نیابد کس بزرگی بی ادب

گر ادب داری چه حاجت تا بری نام نسب<sup>۹۹</sup>

۱۰۰ - « اللهم اغفر رمزات الألفاظ و سقطات الألفاظ و شهوات الجنان

و هفوات اللسان »

یا الهی بی رضایت گر زبان و چشم و دل

زشت گوید یا ببیند یا رود جایی مهل<sup>۱۰۰</sup>

→

بیروت نقل شده است.

۹۷ - زیر شماره ۸۲ در مطلوب و هم در ص ۳۰ الاعجاز و ص ۲۷۱ ج ۲ شرح فارسی غرر آقا

جمال خوانساری آمده است .

۹۸ - عینا در ص ۲۴۱ شرح ابن ابی الحدید چاپ بیروت و با اندک تفاوت در ص ۶۸۶ ترجمه

غرر و هم در الاعجاز و مطلوب آمده است .

۹۹ - عینا در الاعجاز و مطلوب آمده است .

۱۰۰ - در مطلوب بهمین صورت و در الاعجاز و الابجاز بصورت « اللهم اغفر زلات الالفاظ . . »

نقل شده است .